

<div>شنبه</div> <div>۲ اسفند ۱۴۰۴ - ۲ رمضان ۱۴۴۷ - ۲۱ فوریه ۲۰۲۶ - شماره ۳۰۰۴ - ییابی ۴۲۲۲</div>	
ممنعت معدن تجارت	
	
مشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منعت www.smtnews.ir/about.html	
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی « منعت »	
مدیرمسئول: عاطفه خسروی	
سازمان آگهی‌ها: ۰۸۱۰۵۲۸۸ - ۸۸۱۰۵۲۸۸۰۴۹۱۹۱۵۱۴۰۶	
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com	
تلفن: ۰۸۲۱۹۰ (داخلی -۰۸)	
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸	
تهران، خیابان قائم مقام فرحانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۲۳۲۸۱	
روابط عمومی: pr@smtnews.ir	
چاپخانه: صمیم	
www.smtnews.ir	info@smtnews.ir
telegram.me/smtnews	instagram.com/smtnews
tozi.smtnews@gmail.com	http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews	
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی	
عضو انجمن مدیران رسانه	
عضو تعاونی مطبوعات	

مشارکت در این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه انجام دهید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

این مقاله را می‌توانید با کلیک بر روی دکمه‌ها در پایین این صفحه به اشتراک بگذارید.

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

یادداشت



رشد اقتصادی سالانه ایران از سال ۱۳۶۰ تا الان به‌طور متوسط حدود ۳.۱ درصد و تولید ناخالص سرانه حدود ۲ درصد می‌شود. تورم مزمن بالا، بیکاری، فقر، توزیع نابرابر درآمد و مشکلات محیط‌زیستی در این کارنامه قرار گرفته‌اند. در واقع می‌توان گفت فارغ از نوسانات کوتاه‌مدت، عملکرد بلندمدت راضی‌کننده نیست. عملکرد بلندمدت را اصولا سیاست‌های بلندمدت می‌سازند، نه منابع طبیعی یا شوک‌های مقطعی یا موضوعات دیگر. در اقتصاد ایران هم سیاست‌های بلندمدتی مقصر اصلی هستند که از هویت نظام حکمرانی نشأت می‌گیرند. این ۸ سیاست عبارتند از: اول، درگیری با تنش‌های خارجی است که طی دهه‌های گذشته تبدیل شده به جزء پایداری از زندگی اقتصادی و سیاسی ایرانیان. دوم، کسری بودجه مزمن و پایدار دولت بوده که از دهه ۴۰ برقرار بوده است. این کسری بودجه هم با روش اشتباه پولی کردن کسری بودجه تامین می‌شود.

سوم، تعیین دستوری نرخ بهره بانکی (معمولا پایین تر از تورم) که از برداشت اشتباه سیاست‌گذاران از اقتصاد اسلامی تاثیر گرفته است. چهارم، نظام ارز چند نرخي است. در واقع در ۴۵ سال اخیر، در ۳۵ سال نظام چندنرخي ارز برقرار بوده و بیشتر سال‌های نظام تک‌نرخي هم صرفا تحت تاثیر وفور ارز نفتی در دست دولت بوده است.

پنجم، قیمت‌گذاری دستوری دولت. در ایران اگر دولتی به قیمت‌گذاری قاطعانه دست نزند، بی‌عرضه تلقی می‌شود و این نگاه اشتباه وجود دارد که دولت برای مقابله با افزایش قیمت‌ها باید به مقابله با کسبه «متخلف» و قیمت‌ها بپردازد.

ششم، نظام تعرفه‌ای خاص اقتصاد ایران، در واقع واردات کالا به ایران با تعرفه‌های بالا و بسیار پیچیده همراه است. علاوه بر این، موانع غیرتعرفه‌ای هم زیاد است (مثل ممنوعیت کلی واردات لوازم خانگی). هفتم، عرضه ارزان نرخ انرژی که جزو خاصیت حکمرانی اقتصادی ایران بوده و هست.

هشتم، نظام نگاه‌داری عظیم غیر خصوصی و غیررقابتی در ایران است. غیر از بخش خصوصی، انواع مالکیت‌های حاکمیتی، بخش‌های عمومی، نظامی و دولتی وجود دارند.

چرا این سیاست‌ها با آنکه غلط هستند، دوام می‌آورند؟
نشان پایدار و بلندمدت بودن این موارد این است که سیاست‌های اصلاحی گاه‌به‌گاه در این موارد نتوانسته‌اند آنها را به کلی از اقتصاد ایران حذف کند. برای مثال اصلاحاتی مانند حذف موانع غیرتعرفه‌ای تجارت یا اصلاح نرخ حامل‌های انرژی مدنظر بوده، اما این اقدامات کوتاه‌مدت نتوانسته‌است به موفقیت برسد. این موارد نشان‌دهنده ریشه‌داری این ۸ سیاست و گره خوردن آنها به ماهیت نظام حکمرانی کشور است.

سیاست‌های مخرب هشت‌گانه از چه طریقی به نظام حکمرانی ما راه پیدا کرد؟

ریشه برخی از این سیاست‌ها، به باورهای ابتدای انقلاب برمی‌گردد. برای نمونه، فهم سیاست‌گذاران اولیه از شعار استقلال، تقابل با غرب بوده‌است. این موضوع باعث شده دولت به نقش مسلط در روابط خارجه اقتصاد و «خودکفایی» به‌عنوان شعاری راهبردی تبدیل شود. شعار عدالت هم تحت‌تاثیر یک برداشت خاص قرار داشته که از دهه ۴۰ مارکسیسم تاثیر پذیرفته است؛ این نگاه عدالت را عرضه ارزان کالا و خدمات به مردم می‌داند، بنابراین در تعیین نقش دولت، حرف از تأمین کالای عمومی نبوده، بلکه عدالت‌دولت‌ورود خود به تأمین کالاهای خصوصی (که از آن به‌عنوان «سفره مردم» یاد می‌شود) را مسلم می‌دانسته‌است. این باور عملا سازگار بازار آزاد ارزش‌های انقلاب فرض می‌کرده‌است. این وضعیت باعث شده‌است تا دولت مالکیت واحدهای تولیدی را برعهده بگیرد و منابع طبیعی و مالی و انرژی را از آنان عرضه کند.

این ۸ سیاست غلط چگونه به هم پاس می‌دهند؟
این ۸ سیاست تبعات جدی دارند. به‌عنوان نمونه به هم‌افزایی ۳ سیاست اول می‌پردازیم. وقتی هم‌زمان تنش در روابط خارجی و کسری بودجه دولت وجود دارد و نظام بانکی هم به‌دلیل نرخ بهره دستوری دچار ناترازی است، عوامل دوم و سوم باعث رشد نقدینگی می‌شود و عامل اول به افزایش هزینه مبادله با‌خارج و در نتیجه فشار به بازار ارز منجر می‌شود. هم‌زمانی اینها با تحت فشار قرار گرفتن منابع ارزی کشور باعث می‌شود، نقدینگی به‌سمت بازار ارز حرکت کند و باعث افزایش نرخ خود. چون سیاست‌گذار نمی‌خواهد به عامل تنش خارجی دست بزند، به تعیین نرخ‌های اداری متفاوت با نرخ بازار دست می‌زند. در این زمان، استمرار کسری بودجه و تنش‌های خارجی، افزایش فاصله نرخ ارز بازار و نرخ اداری را باعث می‌شود و به انواع فساد دامن می‌زند.

ترکیب این ۸ سیاست به فساد ارزی، قاچاق کالا، تضعیف تجارت خارجی، بی‌عدالتی، بحران آب و برق و گاز و… منجر می‌شود.

اقتصاد ایران نیازمند گام اصلاحی ۱۲



مدیرکل اسبق سازمان برنامه

حسن خوشبویر

سال ۱۴۰۴ سالی بسیار مهم و یک نقطه عطف سرنوشت‌ساز است. این سال زمان تحقق آرمان‌های چشم‌اندازی است که برای یک دوره بیست‌ساله برنامه‌ریزی شده بود و باتوجه به آنچه طی روزهای قبل روی داد، نقطه‌عطفی برای بازنگری در راهبردهای حکمرانی اداری و اقتصادی است.

تبلور امید برای رسیدن به سال ۱۴۰۴ در مفاد سیاست‌ها و برنامه‌هایی بود که در سند چشم‌انداز، ایران را به برترین کشور منطقه تبدیل می‌کرد و آنچه در این روزها رخ داد، اتخاذ تصمیماتی شجاعانه و تعیین‌کننده را در نظام مدیریت و اقتصاد ضروری کرده‌است. سال ۱۴۰۴، سال سرمایه‌گذاری برای تولید نام‌گذاری شده، اما برنامه میان‌مدتی در آن تدوین و اجرا شد که فاقد برنامه بالادست راهبردی و بلندمدت بود. شرایط ماه‌های اخیر نز مزید بر علت شده تا اقتصاد در سایه سیاست از برنامه‌های هدف‌گذاری‌شده عقب بماند. در ادامه به بیان الزاماتی می‌پردازیم که نیل به موفقیت نیازمند اصلاح این امور است.

۱- تاکتین دولت‌های مستقر در ایران در ایجاد ثبات موردنیاز به‌عنوان بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری و تولید و توسعه موفق نبوده‌اند، گاه در اقتصاد دخالت‌های ناروا و ضدتوسعه‌ای صورت گرفته‌است، به بخش‌های واقعی و مولد و کارآفرین خصوصی اجازه عرض‌اندام در فعالیت‌های کاسب‌کارانه داده نشده‌است، قیمت‌ها دستوری تعیین شده‌اند، جریان سرمایه‌گذاری خارجی مناسب به کشور برقرار نشده و بسیاری اقدامات اشتباه دیگر که منجر به کمبود انرژی و مصرف اسراف‌گونه و ناکارآمد سوخت و کالاهای اساسی و آب و خاک و… شده‌است.

۲- وظیفه دولت سنگین‌تر، پیچیده‌تر و نیازمند منطقی‌تر شدن است. فرصت، اندک و دوره فعالیت با ناکارایی به پایان رسیده‌است. بنابراین، دولت باید نقش اصلی خود در بسترسازی، نظارت راهبردی، مقررات‌گذاری صرف و از همه مهم‌تر با پرهیز از دخالت‌های اشتباه و غیرضرور در فعالیت‌های اداری و اقتصادی، بازیابی و بازسازی کند.

۳- تجربه روزهای اخیر و خطری که برای ایران پدید آمد و درایت و فرهنگ غنی که نخبگان ایرانی از خود نشان دادند، عبرت‌آموز است. حتی مخالفان وضع موجود هنگامی که تمامیت و استقلال کشور را در خطر دیدند، به حمایت از کشور پرداختند، بنابراین چرا از این به بعد دولت و نظام حکمرانی اقتصادی به بخش خصوصی واقعی کارآفرین و مولد که می‌تواند توسعه کشور را تسهیل، هزینه‌ها را بهینه و فعالیت‌های اقتصادی را کارآمد کند، اطمینان نکند؟

۴- لازم است دولت در تنظیم و اجرا و ایفای سیاست‌های کلان اقتصادی و برنامه‌ریزی منحصربه‌فرد باشدد و دیگر ساختارهای حقوقی در کشور به وظایف اصلی خود بپردازند.

۵ - بخش‌های شبه‌دولتی که تنها به لحاظ تعریف حقوقی، غیردولتی به حساب می‌آیند، اما واقعا مانند دولت مدیریت می‌شوند و از مزایا و امتیازات (رانت‌جویانه) ارتباط با مراکز قدرت و دولت بهره‌مند هستند، تجربه قابل‌قبولی در اداره فعالیت‌های کاسب‌کارانه و مولد اقتصادی در سطوح مختلف و کلان نداشته‌اند و بیشتر است رقیب قدرتمند دولت و بخش خصوصی واقعی نباشندد و فعالیت‌های اقتصادی خود را به کارآفرینان حقیقی و حقوقی خصوصی واقعی واگذار کنند.

۶- از گذشته تاکنون و به‌ویژه از حالا به بعد، ثبات اقتصادی مانند اکسیژنی است که حیات کارگزاران و فعالان اقتصادی وابسته به آن است؛ دوره‌ای که عبارت «ثبات اقتصادی» تنها یک شعار در سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها بود، گذشته است.

۷- دولت منتخب مردم مکلف است همه ابزارهای اداری، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، سیاست خارجی و حتی نظامی خود را برای ایجاد ثبات و امیدواری و فراهم شدن امکان برنامه‌ریزی فعالان اقتصادی بخش خصوصی واقعی به کار گیرد.

۸- کشور در بخش‌های اساسی و زیربنایی (نیرو، نفت، گاز، حمل‌ونقل، مسکن و ارتباطات)، صنعت، کشاورزی، آب، محیط‌زیست و… نیازمند توسعه و سرمایه‌گذاری است. بدون ورود سرمایه خارجی، توسعه این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست. فراهم کردن انگیزه برای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی و طراحی ابزارهای مدرن و بهنگام جلب سرمایه وظیفه دولت است.

۹- تورم و عدم‌ثبات اقتصادی و حاکمیت فضای ناامیدی در جامعه و میان کارگزاران اقتصادی (بخش خصوصی واقعی) بسیار متأثر از کسری بودجه دولت است و کسری بودجه هم ناشی از ناکارآمدی در بخش هزینه‌های دولت است. بازنگری در ریف‌های هزینه‌ای بودجه و حذف ردیف‌هایی که بدون هیچ فایده‌ای در حفظ هزینه جذب می‌کنند و از همه مهم‌تر اصلاح نظام اعطای یارانه، باید در اولویت اقدامات اصلاحی دولت باشد. نظام فعلی اعطای پیدا و پنهان یارانه نه هدفمند است و نه کارآمد و نیازمند بازنگری اساسی است.

۱۰- اعطای یارانه به‌صورت پول‌باشی و ارزپاشی و بدون هدفی میان‌مدت (تا زمان تحقق نتایج اصلاحات لازم) اشتباه است و نه فقر را می‌زاید و نه رضایت و ثبات می‌آفریند. دولت باید برای تدقیق یارانه‌ها پیدا و پنهان، تفکیک موضوعات و محصولات مشمول یارانه و گروه‌های هدف و شفافیتی هزینه‌هایی که کشور متحمل می‌شود و طراحی روش‌های مناسب اعطای یارانه، برنامه‌ریزی و اقدام کند.

۱۱- نیروی انسانی یکی از عوامل موثر در توابع تولید است. در سال‌های اخیر مهاجرت نیروی انسانی باکیفیت از داخل کشور به خارج شتاب بسیار زیادی گرفته‌است. می‌توان با برخی اقدامات اصلاحی هم از ادامه مهاجرت جلوگیری کرد و هم روند گذشته را معکوس کرد. کشور به متخصصان در رشته‌های مختلف علوم و فنی و پزشکی نیازمند است. متقابلا ساماندهی و اصلاح وضعیت مهاجران غیرقانونی که خصوصا طی سال‌های گذشته به کشور وارد شده‌اند، در ایجاد آرامش و امنیت شهروندان لازم و ضروری است.

۱۲- وفاداری و لحاظ نرخ تمام‌شده تولید و عرضه محصولاتی که بنا به شرایطی لازم است توسط دولت قیمت‌گذاری شوند، اقدامی در جهت اصلاح ساختاری و بهبود نظام عرضه و تقاضا و بازار آن محصولات است. به‌طور طبیعی اگر نرخ عرضه هر محصول به صورتی غیرواقعی و با اهداف اجتماعی حمایتی کمتر از نرخ تمام‌شده یا ارزش‌های واقعی و موثر آن محصول باشد، شکل‌گیری مابه‌التفاوت‌های نرخ واقعی از قیمت‌های دستوری، هزینه‌هایی در برای استهلاک بیشتر و مصرف دارایی‌های سرمایه‌ای جامعه ایجاد می‌کند. سال‌هاست که تفکیک اهداف غیراقتصادی و اجتماعی دولت از اهداف اقتصادی دولت در مفاد قانون و دستورالعمل‌ها در دستور کار قرار گرفته و به اقدام موثری نینجامیده‌است.

بدون تردید برای کشور و جامعه با تجربیاتی که در روزهای اخیر به‌دست آورده، دوره‌ای جدید آغاز شده و لازم است باتوجه به شرایط جدید، اقدامات دولت برنامه‌ریزی شود.

یادداشت

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»